



## فرهنگ اقتصاد پیش شرط تحول

گفت‌و‌گو با حجة الاسلام دکتر عبدالعلی رضایی  
عضو کمیسیون حوزوی شورای عالی انقلاب فرهنگی

اولین شرط حرکت به سمت جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی داشتن روحیه جهادی است و روحیه یک ملت، بیش از هر چیز دیگر به فرهنگ او برمی‌گردد. رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌فرمایند: «اگر ما بخواهیم این حرکت عظیم اقتصادی در کشور در سال ۹۰ انجام بگیرد، یک الزاماتی هم دارد... اولاً روحیه جهادی لازم است.» اما سؤال مهم این است که رابطه «فرهنگ» و «اقتصاد» در مکتب اقتصادی اسلام چگونه است؟ حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبدالعلی رضایی، عضو کمیسیون حوزوی شورای عالی انقلاب فرهنگی در گفت‌و‌گوی زیر به این پرسش پاسخ می‌دهد.

نقش مهم‌تری دارد. بنابراین اقتصاد در تبعیت از فرهنگ عمل می‌کند. اساساً اقتصاد، ارزش‌ها و جهت خود را از فرهنگ متبوع خود می‌گیرد. بنابراین تا فرهنگ مقاومتی نباشد، اقتصاد هم مقاومتی نخواهد شد. پس این دو با هم یک رابطه طولی دارند.

اقتصاد با رویکرد فعال و مقاومت در مقابل تعاریف، ساختارها و محصولات اقتصاد سلطه، سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی‌سازی آن بر اساس جهان‌بینی و اهداف خود دارد. هر جامعه‌ای سه رکن اساسی دارد؛ فرهنگ، سیاست و اقتصاد. این سه رکن متقوم هم هستند و از بین آنها، فرهنگ

با توجه به معنی و مفهوم اقتصاد مقاومتی، چگونه می‌توان رابطه فرهنگ و اقتصاد را بررسی و تبیین کرد؟

اقتصاد مقاومتی در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته قرار می‌گیرد. اقتصاد مقاومتی نمی‌پذیرد که صرفاً مصرف‌کننده باشد، منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصاد سلطه ایستادگی می‌کند. این

## ■ الگوی مناسب برای این رابطه چگونه است؟

■ بهترین الگو برای ایجاد رابطه فرهنگ و اقتصاد مقاومتی، الگوبرداری از فرهنگ بسیج و دفاع هشت ساله ما در برابر همه دنیاست. در جنگ تحمیلی با تکیه بر فرهنگ عاشورا، بزرگ‌ترین جبهه مقاومت در مقیاس عمومی و در تمامی سطوح جامعه شکل گرفت. به تبع این فرهنگ مقاومتی، سیاست مقاومتی و جنگ مقاومتی و اقتصاد مقاومتی جدیدی در دنیا مطرح شد. عامل اصلی این مقاومت گسترده نه ملیت بود و نه نژاد و قومیت و نه آب و خاک، بلکه «مذهب و باورهای اعتقادی» عامل اصلی آن بود. این عامل بر دو رکن اساسی استوار بود: رکن اول «عاشورا و شهادت» و رکن دوم «انتظار و ظهور منجی مصلح».

فرهنگ اقتصاد نیز همچون فرهنگ سیاست به مجموعه باورها، ارزش‌ها و رفتارها و نمادها در حوزه ثروت اطلاق می‌شود که با تغییر یا تحول آن، اقتصاد مقاومتی نیز دچار تغییر و تحول خواهد شد. پس هرگونه تحول مثبت یا منفی در فرهنگ سیاست (قدرت)، فرهنگ اقتصاد (ثروت) و فرهنگ اجتماع (هنجارها و رفتارها) مستقیماً بر اقتصاد مقاومتی تأثیر دارد.

بنابراین الگوی بسیج مقاومت در ایجاد اقتصاد مقاومتی هم می‌تواند کارساز و کارآمد باشد. یعنی با هدایت انگیزه‌های معنوی مردم مسلمان و انقلابی می‌توان یک جبهه مقاومت اقتصادی در مقابل هجوم و تهدیدهای اقتصادی نظام استکباری ایجاد کرد که این جبهه حتی می‌تواند به ایجاد موازنه با قدرت اقتصادی استکباری اقدام کند.

## ■ از نظر شما پیش‌شرط‌ها و پیش‌نیازهای فرهنگی برای تحقق و دستیابی ملت ما به اقتصاد مقاومتی چیست؟

## از پیش‌نیازهای فرهنگی برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی، یکی این است که محور استراتژی اقتصادی را حول «جنگ فرهنگی» بازتعریف کنیم. در این صورت عرصه اقتصادی هماهنگ با عرصه فرهنگ عمل خواهد کرد.

صحیح درک نکرده باشند و اگر اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی صرفاً معطوف به رشد مادی و رفاه و بالارفتن قدرت مادی همچون کشورهای ژاپن و چین فرض شود، مفهوم جهاد و اقتصاد مقاومتی از معنی و محتوای اصلی خود تهی خواهد شد. در این صورت جهاد و اقتصاد مقاومتی در معنایی به کار خواهد رفت که بیشتر شبیه یک مسابقه است تا جنگ و مقاومت. در جهاد و مقاومت، فرض یورش و هجوم دشمن حتمی است و در آن صحنه، جبهه حق و باطل در حال تقابل هستند و تنها در صورت درک چنین مسئله‌ای است که می‌توان از همه آحاد، اصناف و اقشار انتظار داشت که در عرصه اقتصاد تا مرز شهادت مجاهده کنند و تولید و توزیع و مصرف جامعه را در جهت برتری جبهه حق بر باطل به حرکت درآورند.

## ■ این پیش‌نیازهای فرهنگی که اشاره کردید چگونه باید محقق بشوند؟

■ تحقق پیش‌نیازهای فرهنگی را باید در سه سطح بنیادی، تخصصی و عمومی دنبال کرد؛ در سطح بنیادی که نیاز به استخراج فقه نظام اقتصادی و نظام‌سازی مبتنی بر آن توسط فقها و کارشناسان فقه ما دارد، در سطح تخصصی که نیاز به بازنگری در مفاهیم، تعاریف، سیاست‌ها، قوانین و ضوابط اقتصادی موجود کشور و نظریه‌پردازی و الگوبردازی بر اساس مفاهیم و تعاریف جدید و هماهنگ با نگاه ارزش‌محور دارد، و بالأخره در سطح عمومی که نیازمند آموزش و ظرفیت‌سازی و فرهنگ‌سازی در سطح کارشناسان و کارگزاران نظام اسلامی و مردم است.

## ■ منابعی که ما با تکیه بر آن می‌توانیم این پیش‌نیازها را محقق کنیم چیست؟

■ عرصه این منابع متفاوت و گوناگون است. در عرصه مفهومی، قانون اساسی و اسناد بالادستی نظام همچون سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، سیاست‌های کلی

■ مادامی که خاستگاه «فرهنگ اقتصاد» بر پایه مفاهیمی همچون «سودمحوری»، «سرمایه‌سالاری» و «تکاترگرای» باشد و کارشناسان و مدیران اقتصاد به این دسته از معادلات وفادار باشند، اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی مورد نظر نظام اسلامی تحقق پیدا نخواهد کرد. به عبارت دیگر، هرگاه مفاهیم، تعاریف، سیاست‌ها، قوانین، ساختارها، ضوابط و مدیریت اقتصادی حول محور «اقتصاد سرمایه‌داری» تعریف شود، نمی‌توان از تولید ثروت بر پایه جهاد و مقاومت و اخلاص و ایثار سخن گفت. پس می‌توان نتیجه گرفت که کیفیت و نوع فرهنگ حاکم بر اقتصاد می‌تواند پذیرای مفهوم ارزشی جهاد و مقاومت باشد یا نباشد.

اعلام جهاد اقتصادی از جانب رهبر معظم انقلاب در سرآغاز سال ۱۳۹۰ بیانگر این واقعیت است که با پیروی از الگوهای متداول اقتصادی دنیا نمی‌توانیم به اقتصاد صیانت‌زا، عدالت‌آفرین و مقتدر برسیم. از پیش‌نیازهای فرهنگی برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی، یکی این است که استراتژی اقتصادی را حول محور استراتژی «جنگ فرهنگی» بازتعریف کنیم. در این صورت عرصه اقتصادی هماهنگ با عرصه فرهنگ عمل خواهد کرد. اگر مسئولان و مردم ما جنگ اقتصادی دشمن را به‌طور

نظام، نقشه مهندسی فرهنگی کشور، نقشه جامع علمی کشور و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و ده‌ها سند در حال تدوین که منبع معتبر و راهبردی محسوب می‌شوند، قرار دارند. به لحاظ ساختاری هم بخش اقتصاد کشور به ستادی فرهنگی ذیل شورای عالی انقلاب فرهنگی نیاز مبرم دارد.

استفاده از ظرفیت و توان علمی حوزه‌های علمیه و پژوهشگاه‌های وابسته به حوزه و دانشگاه و پژوهشگاه‌های مرتبط به‌عنوان عقبه فکری، استفاده از شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌عنوان قرارگاه اصلی فرهنگی و ستاد هماهنگی بین حوزه‌ها و دانشگاه‌ها با قوای سه‌گانه به‌عنوان واحدهای عملیاتی، و همچنین استفاده از نیروهای نخبه جوان و مؤمن که در حال حاضر به‌صورت ناشناخته در جامعه معطل مانده‌اند، از مهمترین منابعی هستند که باید برای فراهم آوردن پیش‌نیازهای فرهنگی اقتصاد مقاومتی مورد توجه قرار بگیرند. بنابراین منابع مفهومی، ساختاری و انسانی، اصلی‌ترین منابع لازم برای ما هستند.

■ **باتوجه به تأثیرپذیری اقتصاد مقاومتی از مؤلفه‌های فرهنگی، نقش و تأثیر جداگانه «فرهنگ سیاست» و «فرهنگ اجتماع» و «فرهنگ اقتصاد» در اقتصاد مقاومتی چگونه است؟**

■ فرهنگ سیاست به مجموعه باورها، ارزش‌ها، رفتارها و نمادها در حوزه قدرت و گرایش‌های هر جامعه اطلاق می‌شود. فرهنگ سیاست بیانگر جهت‌گیری دولت‌ها و ملت‌هاست. هرگونه تغییر و اتخاذ مواضع در فرهنگ سیاست، تأثیر مستقیم بر اقتصاد مقاومتی کشور دارد. اینکه سمت و سوی جامعه‌ای به طرف حق باشد یا باطل، تأثیری بسزا بر جهت‌گیری اقتصادی آن جامعه و نظام خواهد داشت. بنابراین با توجه به فرهنگ سیاست نظام اسلامی کشورمان که مبتنی بر استقلال، آزادی و

جمهوری اسلامی است، اقتصاد ما هم نباید وابسته باشد. لذا وجود یک اقتصاد مستقل و مقاوم در مقابل نفوذ بیگانگان و متکی بر عدالت و پیشرفت الزامی است. اقتصاد مقاومتی تابعی از فرهنگ سیاست، فرهنگ اجتماع و فرهنگ اقتصاد است. البته سهم تأثیر فرهنگ سیاست در رتبه اول، فرهنگ اجتماع در رتبه بعدی و فرهنگ اقتصاد در رتبه آخر است.

■ **از دیدگاه شما رابطه و نسبت بین «فرهنگ اقتصاد» و «اقتصاد فرهنگ» چگونه است؟**

■ باید بگویم که یکی از محورهای مهم در عرصه اقتصاد اسلامی، اقتصاد فرهنگ است که شامل همه منابع انسانی، مالی، تجهیزات، سخت‌افزار، فضا و امکانات می‌شود. اقتصاد بخش فرهنگ نقش مؤثری در پیشرفت فرهنگ اسلامی در سطوح مختلف جامعه دارد. اگر اقتصاد فرهنگ مبتنی بر فرهنگ اقتصادی منبعث از اسلام نباشد، نه‌تنها موجب



**فرهنگ سیاست بیانگر جهت‌گیری دولت‌ها و ملت‌هاست. هرگونه تغییر و اتخاذ مواضع در فرهنگ سیاست، تأثیر مستقیم بر اقتصاد مقاومتی کشور دارد. اینکه سمت و سوی جامعه‌ای به طرف حق باشد یا باطل، تأثیری بسزا بر جهت‌گیری اقتصادی آن جامعه و نظام خواهد داشت.**

پیشرفت جامعه اسلامی نخواهد شد، بلکه به‌عنوان یک اهرم بازدارنده و مخرب هم عمل خواهد کرد و مانع پیشرفت فرهنگ اسلامی در تمامی ابعاد خواهد بود. پس اگر فرهنگ اسلامی را پایه و اساس شکل‌گیری تمامی پدیده‌ها و از جمله نظام اقتصادی بدانیم، آنگاه در خواهیم یافت که اقتصاد فرهنگ تابعی از فرهنگ اقتصاد است که امروزه از آن به‌عنوان «مکتب اقتصادی» یاد می‌کنند.

پس اقتصاد مقاومتی یکی از ارکان «مکتب اقتصاد اسلامی» به حساب می‌آید که دیگر ارکان آن شامل «عدالت اقتصادی»، «تدبیر معیشت» و «عقلانیت اقتصادی»، الگوی تولید، توزیع و مصرف اقتصادی است. ارکان مذکور را اصطلاحاً «فرهنگ اقتصاد» می‌نامند. حال اگر اقتصاد خالی از این ارکان باشد، دیگر نمی‌توان آن را اقتصاد اسلامی نامید. پس اسلامیت اقتصاد متقوم به وجود معنویت، عدالت و عقلانیت برخاسته از فرهنگ اسلامی در همه عرصه‌های تولید، توزیع و مصرف ثروت است. فرهنگی مبتنی بر معنویت و عدالت و عقلانیت دینی، فرهنگی مقاوم و سالم و مقتدر هم خواهد بود. آنگاه حضور و جریان این فرهنگ در دیگر ابعاد جامعه و از جمله حضور فرهنگ در نظام سیاسی، حضور فرهنگ در نظام فرهنگی و حضور فرهنگ در نظام اقتصادی موجب سلامت نظامات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خواهد شد.

پس در مرحله نخست و به وسیله فرهنگ دینی باید تمامی نظام‌های جامعه را مهندسی کرد. در مرحله دوم وقتی که این نظام‌ها شکل گرفت، یعنی هرگاه نظام اقتصادی بر پایه فرهنگ دینی تعریف و مهندسی شد، آنگاه اقتصاد سیاست و اقتصاد فرهنگ و اقتصاد در حوزه اقتصاد نیز پاک و تعالی‌بخش و مقاوم و بالنده خواهد بود و می‌تواند در خدمت اهداف بلند و تعالی‌بخش و انسان‌ساز اسلام باشد.